

ریشه‌یابی مشکلات ارتباطی والدین با نوجوانان و نقش مشاوران در بهبود فرآیند ارتباطی بین آنها

لیدا صحرايي
مشاور آموزش و پرورش ناحیه دو، شهر ری

مقدمه

کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که نوجوان داشته باشد و از درگیری با او شکوه نکند و شاید هم نتوان معلم یا مشاور پیدا کرد که از بی‌انگیزه بودن این دو گروه گله‌مند نباشد. سؤالی که از والدین، معلمان و مشاوران ناراضی از نسل جوان می‌توان پرسید این است که: نوجوانان اگر انگیزه ندارند، اگر هنجارهای اجتماعی را رعایت نمی‌کنند و بسیاری از اگرهای دیگر، پس چرا جهان روز به روز پیشرفت می‌کند و هر روز اختراعات جدیدی به وجود می‌آید؟ به نظر می‌رسد که دشواری در وجود خود بزرگترها است. این بزرگترها هستند که نوجوانان را درک نمی‌کنند و به آنها مجال شکوفایی نمی‌دهند و در مقابل خواسته‌هایشان مثل دژ محکم می‌ایستند.

همچنین به نظر می‌رسد که نسل نوجوان در مقایسه با نسل‌های گذشته، مؤدب‌تر، باسوادتر، بانگیزه‌تر است. اگر باور ندراید بیا بیا دیوارهای سر به فلک کشیده بین خود و نسل جوان را برداریم. آن وقت خواهیم دید که چه کسی قدرت پرواز دارد و می‌تواند اوج بگیرد و به قله ترقی و تعالی برسد. توجه به مسایل ارتباطی دانش‌آموزان ما که آینده سازان جامعه هستند از ضروریات هر جامعه است و اهمیت به سزایی دارد. لذا پرداختن به این امر مهم جزیی از فعالیت‌های مشاوران محسوب می‌شود. زیرا در مراجعه والدین و حتی خود دانش‌آموزان به مشاوران و در میان گذاشتن مشکلاتشان در زمینه‌های گوناگون مشخص شده که هر دو گروه به علت نداشتن تخصص در زمینه‌های مختلف

روانی - انسانی به نوعی کمبود اطلاعات مبتلا هستند و در برخورد والدین با دانش‌آموزان و برعکس مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که از این منظر، نقش مشاور برای بهبود بخشیدن به این روابط انسانی میان دانش‌آموزان با خانواده‌های آن‌ها حایز اهمیت می‌گردد.

بنابراین با توجه به تمام مشکلات نوجوانان و ایجاد برخورد منطقی والدین با آنها سعی نمودم، مقاله‌ای پیرامون این موضوع به عنوان یک مشاور تهیه نمایم تا شاید بتوانیم مسایل را از تمام جوانب باز کرده و راه کارهای منطقی و صحیح و همچنین نقش یک مشاور را هر چند مجمل بیان نمایم.

تعریف دوره نوجوانی:

بسیاری از روان‌شناسان «نوجوانی» را یک دوره انتقالی می‌دانند؛ دورانی که ویژگی آن بروز تغییرات سریع جسمی و تحولات روانی از جمله استقلال طلبی، آرمان خواهی، آینده نگری، تخیل گرایی، بی‌ثباتی عاطفی، احساسات شدید، دوستی‌های افراطی، گرایش مذهبی، شکوفایی اندیشه‌ها و ایده‌آل‌های اخلاقی و جستجو برای کسب هویت است. ژان ژاک روسو به سبب این تحولات، بلوغ را «تولد مجدد» می‌نامد. نوجوان از یک سو به سبب «بی‌تجربگی» ممکن است به خوبی از عهده حل بسیاری از مسایل خود برنیاید، و از سوی دیگر به دلیل «استقلال طلبی» و «رشد ذهنی» خود دیگر مایل نیست که مانند دوران کودکی بزرگترها برای او تصمیم بگیرند. در حقیقت او نه کودک است نه بزرگسال. در نظر خواهی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها گاه او را کودک

می‌خوانند و کنارش می‌گذارند و گاه او را بزرگسال می‌شمارند و بیش از حد توان از او انتظار دارند. این برخوردهای دوسویه تعارضات ذهنی و احساسی او را نسبت به خود مضاعف نموده و موجب بسیاری از اضطراب‌ها و تنش‌ها و مشکلات روانی - اجتماعی او می‌شود.

تحول عاطفی نوجوان:

تغییراتی که در دوران نوجوانی و روابط فردی او و دگرگونی‌هایی که در والدین و در نظام خانواده به عنوان یک کل روی می‌دهند، در روند پرورش نوجوانان دخالت دارند. مهمترین تغییری که در نوجوان رخ می‌دهد تغییر در الگوی ارتباطی والدین و نوجوان می‌باشد، نوع ارتباط والدین با نوجوان حالت افقی پیدا می‌کند در حالی که این ارتباط در دوره کودکی عمودی و براساس سلسه مراتب است. اغلب نوجوانان به دفع الگوی عمودی می‌پردازند و پذیرای الگوی افقی مانند پیدا کردن رابطه دوستانه، صمیمی، همدم شدن می‌شوند. نگرش و توجه نوجوان در این شرایط از منزلت بالایی برخوردار است. ارزش‌ها نوجوان را به شدت مجذوب نموده و وی را به لرزه می‌اندازد. آشنا بودن با مراحل رشد و تحولات روحی دوره بلوغ می‌تواند تا حدودی شرایط را فراهم سازد. زیرا آشنا بودن به نیازهای این سن و مطلع بودن از طرز فکر نوجوان، والدین را کمک می‌کند تا آنها بهتر و آسان‌تر، راه‌های ارتباط با نوجوان را بیابند و از این طریق زمینه برقراری ارتباط سالم خانواده با نوجوان در دوره کودکی او به وجود می‌آید.

ارتباط اجتماعی نوجوان:

در کنار مسایلی چون تحول عاطفی نوجوان و نیز مطرح شدن هویت برای او ارتباط اجتماعی نیز به عنوان مسئله‌ای که نیاز به تجدید نظر دارد وارد میدان می‌شود. ارتباط اجتماعی نوجوان دستخوش دگرگونی می‌شود. کودکی که در دوره دبستان به سادگی ارتباط اجتماعی برقرار می‌کند، اینک در برقراری این ارتباط به خصوص با بزرگترها دچار مشکل می‌شود. رفتار اجتماعی از سازگاری و تعادل خود در دوره ابتدایی خارج می‌شود. سازگاری او با اعضای خانواده دستخوش دگرگونی می‌شود. امر و نهی پدر و مادر را به خوبی نمی‌تواند بپذیرد. وجود خواهران و برادران کوچکتر را گاه نمی‌تواند تحمل کند. و نوجوان در سازگاری با افراد و فامیل دچار مشکل می‌شود. لذا تا حد ممکن از آنان دوری می‌کند. در حالی که با دوستانش روابط نزدیک و صمیمی برقرار می‌کند. نوجوان در مقایسه با بزرگسالان باید ارتباطات اجتماعی نوینی را شکل دهد و یا آنها را بسازد. به همین سبب تنها تلاشی که ممکن است در زمینه موقعیت اجتماعی خود داشته باشد، داشتن یک



خانواده برای نوجوان بر همگان روشن است. والدین اولین کسانی هستند که زیربنای شخصیت سالم یک نوجوان را می‌سازند و پایه گذار ارزش‌ها و معیارهای فکری وی هستند. متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها به علت بی‌توجهی یا عدم آشنایی با شیوه‌های برقراری ارتباط با فرزندان خود، نمی‌توانند با آنها رابطه صحیح برقرار کنند و آنها را از دست می‌دهند. نوجوان در این دوره بیش از هر زمان دیگر به مراقبت و همراهی والدین خود نیاز دارد. لذا قطع رابطه با نوجوان و یا رابطه نادرست با او ممکن است تأثیرات مخربی بر او بگذارد.

مهمترین عواملی که می‌توانند ارتباط دانش‌آموز با خانواده را تضعیف نمایند عبارتند از: هیچانی بودن خانواده، طرد نوجوان از طریق تنبیه مکرر و یا نصیحت‌های افراطی، نشان دادن ضعف در اداره کردن نوجوان می‌باشد. یکی دیگر از زمینه‌های علمی برای تربیت عاطفی - اجتماعی نوجوان شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مثبت و مؤثر از قبیل همکاری و تعاون و نیز احساس مسئولیت اجتماعی و نقد و بررسی عملکرد دیگران است. نوجوانان باید با احساس همدلی با افراد جامعه خود را برای مشارکت‌های اجتماعی آماده کنند. آنان نه تنها باید در این زمینه‌ها اصول و آموختنی‌های لازم را فرا گیرند بلکه می‌باید عملاً در چنین فعالیت‌هایی داخل شوند.

**آشنا بودن با مراحل رشد و تحولات
روحي دوره بلوغ می‌تواند تا حدودی
شرایط را فراهم سازد. زیرا آشنا بودن
به نیازهای این سن و مطلع بودن از
طرز فکر نوجوان، والدین را کمک
می‌کند تا آنها بهتر و آسان‌تر، راه‌های
ارتباط با نوجوان را بیانند و از این
طریق زمینه برقراری ارتباط سالم
خانواده با نوجوان در دوره کودکی او
به وجود می‌آید**

بسیاری از والدین در تربیت فرزندان خود نقاط ضعف مشابهی دارند و یا هنگامی که از توصیه‌های مشاور خود پیروی می‌کنند به دلیل اینکه برخی از نکات زیر را به درستی متوجه نمی‌شوند و به نتایج مورد نظر دست نمی‌یابند. نکاتی که والدین نیز باید آنها را رعایت کنند عبارتند از:

۱. روش‌های خود را فقط به این دلیل که فرزند شما در ابتدا به آنها پاسخ مثبتی نمی‌دهد، تغییر ندهید.
۲. به فرزندان خود بیاموزید که اگر در واکنش به یک «تنبیه» بدرفتاری کند، باز هم تنبیه خواهد شد.
۳. بچه‌ها به هنگام تنبیه شدن، به گونه‌ای اغراق آمیز نقش بازی می‌کنند.
۴. ممکن است بدرفتاری کودک قبل از آنکه بهبود یابد، برای مدتی بدتر شود.



خانواده، نوجوان را در جهت اجتماعی شدن سوق می‌دهد. دشواری‌هایی که والدین با نوجوان پیدا می‌کنند بیشتر به او استقلال مربوط می‌شود و نداشتن کنترل بر نوجوان، نپذیرفتن توصیه‌های والدین، عصبانیت والدین علیه نوجوانانی که آزادی بیشتری می‌خواهند و ترس برای امنیت او، موضوع‌های اصلی والدین است. گسستگی ارتباط نوجوان و والدین بیشتر اوقات مربوط به فقدان درک متقابل است تا فقدان تجربه‌های مشترک بین آنان.

به عقیده «هس و گولدرات» یکی از مهمترین «مشکلات ارتباطی والدین با نوجوانان» از این واقعیت ناشی می‌شود که هر یک از آنها نسبت به عقاید دیگری بی‌اعتمادند یا سوء تفاهم دارند. بنابراین والدین رفتار نوجوانان را به گونه‌های متفاوتی تفسیر می‌کنند. نوجوانان طی فرآیند تحول خویش مجموعه ارزش‌های انطباق یافته پیشین با عقاید، ارزش‌ها، اهداف، مقاصد و الگوهای روابط با والدین را کاهش می‌دهند. خانواده ممکن است این جریان را به عنوان روند افزایش استقلال نوجوان در خانواده تلقی کند و این جدا شدن نوجوان را حمایت از عقاید و بینش‌های جدید او بپذیرد. ولی برخی از نوجوانان ممکن است «بحران هویت» را تجربه نکنند. این نوجوانان ارزش‌های والدینشان را بدون چون و چرا پذیرفته‌اند و برای خود به عنوان یک فرد بزرگسال نقش‌هایی را انتخاب می‌کنند که با نظر والدینشان هماهنگی کامل دارد. دانش‌آموز در سن بلوغ متأثر از گروه هم سن خویش است و بیش از آنکه از رفتار والدین و حتی مشاور تأثیر بپذیرد از گروه دوستان الهام می‌گیرد. نوجوانان به همین دلیل از شوری و حساسیت خاص برخوردار است.

تعریف خانواده:

«خانواده» به عنوان واحد اساسی جامعه، در رشد شخصیت و سعادت روانی و در پیدایش و سیر پیش آگاهی اختلالات روانی نقش عمده‌ای دارد. خانواده اولین جایگاهی است که نوجوان و جوان دوره کودکی خود را در آن به سر می‌برند و یک سری خصایص رفتاری از افراد خانواده خود کسب می‌کنند. امروزه نقش محرک و سازنده

موقعیت مطمئن و رضایت بخش در خانواده است. نوجوان درصدد برقراری ارتباطی فراتر از خانواده و در میان دوستان است. این مطلب می‌تواند روابط نوجوان را با خانواده تضعیف نماید. ممکن است انتظارات، توقعات و ارزش‌های خانواده با آن چه متعلق به گروه دوستان است در تضاد باشد. این تضاد در اصل فشاری روانی بر نوجوان وارد می‌سازد. این نوجوان است که باید در مقابل تعارض موجود بین دوستان و خانواده استقامت کند و راه‌حلی برای آن بیابد. اگر جاذبه خانواده قوی‌تر باشد به طرف خانواده سوق پیدا می‌کند و اگر جاذبه همسالان بیشتر باشد، این کشش می‌تواند موجب تضعیف روز افزون روابط نوجوان با خانواده شود. از این رو چگونگی استمرار روابط نوجوان با خانواده به نوع و قدرت روش‌هایی وابسته است که او برای حل تعارض‌های موجود بین خانه و جامعه در پیش می‌گیرد. هر قدر دانش‌آموز در زمینه تربیت اجتماعی و شیوه برخورد با تعارض‌های اجتماعی کار آموخته‌تر و تعلیم یافته‌تر باشد، می‌تواند تعارض‌های موجود را بهتر و کارآمدتر حل کند. در مرحله اول ارتباط‌های موجود بین جریان‌های خانوادگی و کشف هویت نوجوان طی آخرین سال‌های دبیرستان حائز اهمیت است.

«کامپ نر» نشان داد که روابط خانوادگی مطمئن در نوجوانی تحول «هویت من» را بهبود می‌بخشد و معلوم می‌شود که صمیمیت و خود مختاری والدین، محیط خانوادگی با ثباتی را پیش‌بینی می‌کند که به نوبه خود موجب تحول «هویت من» در نوجوان می‌شود.

همچنین «پیترسن» دریافت، نوجوانانی که داشتن روابط بهتر با والدین و تعامل بیشتر با آنها را گزارش داده‌اند از سطح حرمت بالاتر و وضعیت عاطفی مثبت‌تری برخوردار بوده‌اند. روابط بهتر و تعامل بیشتر با والدین ممکن است نوجوان را به نحوی مؤثرتر برای گذر از بحران‌های این دوره یا «تنیدگی» آماده نماید. حفظ ارتباط مثبت بین والدین و نوجوان، می‌تواند یادگیری نوجوان را در مورد آنچه به شایستگی‌های اجتماعی او مربوط می‌شود تسهیل کند، زیرا روابط متقابل با



باید روشی را اتخاذ کنند که کودک را به گویایی بیشتر تشویق نماید. اگر کودکی می‌خواهد با والدینش صحبت کند، نباید از او دلیلی خواسته شود و نباید مورد محاکمه قرار گیرد.

روش «گوردن» در تربیت فرزندان و اصل نظریه او:

در روش گوردن توجه به شش مرحله لازم و ضروری است و اگر والدین این ۶ مرحله را در تربیت کودکان به کار ببندند، از میزان نگرانی و کشمکش‌ها و بلا تکلیفی‌های کودک در خانواده کاسته می‌شود. این ۶ مرحله از نظریه حل مشکل «جان دیویی» اقتباس شده است.

شناسایی و تعریف مشکل، تعیین راه‌حل‌های احتمالی، تجزیه و تحلیل راه‌حل‌های احتمالی، انتخاب مناسب‌ترین راه‌حل، اجرای راه‌حل انتخاب شده و پی‌گیری و ارزشیابی راه‌حل اجرا شده، که طی آن انتخاب در مناسب‌ترین راه‌حل، پی‌گیری و ارزشیابی راه‌حل اجرا شده صورت می‌گیرد. در هر یک از مراحل فوق باید عواملی مورد توجه قرار گیرد تا در ارتباط با کودک و تصمیم‌گیری موفقیت به دست آید.

ایجاد رابطه و تفاهم بین والدین و نوجوان، هسته اصلی نظریه گوردن را تشکیل می‌دهد. والدین باید احساسات فرزندان خود را به دقت درک کنند و آنها را تشویق نمایند تا درباره عواطف و احساساتشان صحبت کنند. در ارتباط کودک با والدین گوش دادن فعال از اهمیت خاصی برخوردار است. والدین باید فرا گیرند که به گفتار فرزندان‌شان فعالانه گوش دهند. پیام‌های ارسالی باید حاکی از صداقت و محبت به یکدیگر باشد.

در رابطه با کودک توصیه می‌شود که از پیام «من»، به جای پیام «تو» استفاده نشود. والدین باید اعتماد کودک را جلب نمایند و به طریقی رفتار کنند که در آن کسی بازنده نشود و همچنین گوردن معتقد است که با تغییر محیط می‌توان در

بی‌توجهی و یا آشنا نبودن با شیوه‌های صحیح برقراری ارتباط با فرزندان خود باعث می‌شوند تا فرزندان نیز با آنها روابط نامطلوب داشته باشند. عدم روابط صحیح خانوادگی باعث می‌شود تا آن‌ها با دیگران هم روابط نامطلوبی داشته باشند. روابط نامطلوب دوره نوجوانی، از دوره کودکی انتقال می‌یابد. بنا به گزارش یکی از پژوهشگران تنها ۶ درصد از دختران و ۲/۳ درصد از پسران نوجوان مورد تحقیق اظهار نموده‌اند که توسط پدران‌شان درک می‌شوند و بین آنها روابط صمیمی وجود دارد. در مورد ارتباطات خانوادگی رهبران اسلامی رهنمودهایی دارند، از جمله این نکته که به شخصیت فرزندان خود توجه کنیم و به آنها احترام بگذاریم و دوستشان بداریم و در عین حال آداب صحیح و درست زیستن را نیز به آنها آموزش دهیم. شیوه‌های برخورد والدین با نوجوان، نحوه برخورد والدین خصوصاً گفت و شنود با وی شرط اصلی ایجاد ارتباط و تداوم آن است.

چگونگی برقراری دوستی و تفاهم بین والدین و دانش‌آموزان:

برای برقراری دوستی و تفاهم بین والدین و فرزندان باید مسایلی را مد نظر قرار دهیم. آنچه باعث آسایش خاطر و اطمینان کودک و نوجوان می‌شود، مشاهده تفاهم بین پدر و مادر است. زیرا کودک از زمانی که دیده می‌گشاید با محبت، لبخند، مواظبت، نگهداری و ... مواجه است که لازمه آنها وجود محیطی امن است. ایجاد محیط امن خانوادگی نیاز به گذشت، سازش و روابط صمیمانه و مستحکم دارد. در غیراین صورت، هرگونه تزلزل و ناامنی خانوادگی، ضربه‌اش مستقیماً متوجه کودکان، نوجوانان و جوانان خانواده است.

اصل ارتباط و تعریف آن:

ارتباط به طور کلی دارای دو جزء است که در مکالمه و گفتگوی والدین و کودک نیز صادق می‌باشد و توجه به این دو جزء لازم و ضروری است. عوامل غیر کلامی، جزء اول ارتباط را تشکیل می‌دهد. جزء غیر کلامی آن قسمت از ارتباط را شامل می‌شود که در آن گفتار و کلامی وجود ندارد. والدین نیز به قالب گفتار و کلمات خود در ارتباط با کودکان‌شان توجه خاصی مبذول دارند. ارتباط والدین با کودک می‌تواند در طبقات زیر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد:

۱. ارتباط به صورت دستور دادن
۲. به صورت آگاه کردن و نصیحت کردن
۳. اخلاقی کردن موضوع یا موعظه کردن
۴. ارتباط ممکن است به صورت آموزش همراه با سخنرانی و بحث منطقی انجام پذیرد که به صورت منطقی والدین با کودکان‌شان به بحث می‌نشینند.

۵. ارتباط به صورت قضاوت کردن، انتقاد کردن

۶. تشویق و موافقت نمودن
۷. ارتباط ممکن است به صورت سؤال و جواب انجام پذیرد.

ایجاد ارتباط به روش انتقاد و مذمت کردن می‌تواند به روابط حسنه بین کودک و والدین لطمه وارد سازد. در ارتباط برقرار کردن والدین

۵. اگر در برابر بد رفتاری فرزندمان ناراحت شویم، در واقع به آنها پاداش داده‌ایم.
۶. والدین فقط باید به تعداد محدودی از مشکلات و ناکامی‌های مهم فرزند خود توجه کنند، نه به تمامی آنها.
۷. تقریباً تمام والدین گاهی از پدر یا مادر بودن خود پشیمان می‌شوند.
۸. اشتباهات والدین به ندرت مهلک و خطرناک می‌شود.
۹. همیشه تا آنجایی که می‌توانید به جای سرزنش، از فرزندان خود تعریف - تمجید کنید.

تغییراتی که در نوجوانان ایجاد می‌شود نگرانی‌هایی را برای نوجوان از جنبه فیزیولوژیکی و محیطی، و برای والدین از جنبه «خودسر» و «عاصی شدن» نوجوان ایجاد می‌کند. همچنین انتقاد و اعتراض بی‌رویه والدین و لجبازی نوجوان برخوردی بین آنها به وجود می‌آید. قدم اول برای حل مشکلات شناسایی مشکلات نوجوان در خانواده است یکی از آنها رفتارهای متناوب با فرزندان است. گاهی به طور غیر عمد والدین رفتاری را انجام می‌دهند که ذهن کنجکاو نوجوان را به پیش داوری و قضاوت‌هایی وادار می‌کند. هر چند چنین رفتارهایی ممکن است از طرف والدین خالصانه باشد، مانند خرید وسایل و لوازم، لباس، دادن پول توجیبی، و یا حتی دادن سلام که در بعضی مواقع والدین این گونه ظرافت‌های دقیق را رعایت نمی‌کنند.

نوجوان در مقایسه با بزرگسالان باید ارتباطات اجتماعی نوینی را شکل دهد و یا آنها را بسازد. به همین سبب تنها تلاشی که ممکن است در زمینه موقعیت اجتماعی خود داشته باشد، داشتن یک موقعیت مطمئن و رضایت بخش در خانواده است

یکی از دخالت‌های بی‌موردی که گاهی از طرف والدین صورت می‌گیرد کنجکاو بی‌حد به خلوت کردن نوجوان است. زیرا این عمل یک نوع مزاحمت تلقی می‌شود و از طرف دیگر این آموزش را به نوجوان می‌دهد که در کار دیگران دخالت بی‌مورد کند. والدین باید سعی کنند نوجوانان خود را درک کنند و سرکشی و مخالفت‌های نوجوان را در این دوره به صورت علائم رشد و از خصوصیات دوره نوجوانی بدانند و آن را مقدمه به وجود آمدن واقعه نگرانی کننده تلقی نکنند. برخورد صحیح آن‌ها با نوجوانی کمک خواهد کرد تا از این دوره پر تلاطم و آشوب با سلامت بگذرند. والدین بسیاری از دانش‌آموزان به علت

دانش آموز توجه کند تا وی بتواند تصمیم مناسبی برای خود بگیرد. لازم است مشاور و افراد مرتبط با آن سعی کنند اوضاع و احوالی فراهم آورند که فرد در گروه مستحیل نگردد. باید اطمینان حاصل کنند و همواره این هدف را دنبال کنند.

دانش آموز، مشاور، معلم و والدین مراحل مختلف رشد را بشناسند و از تأثیر آن بر روی رشد کلی فرد آگاه باشند. مشاور وظیفه دارد ارتباط آزاد و عاری از تهدیدی را به وجود آورد که رشد همه جانبه دانش آموزان را آسان سازد. مشاوره برای آن است که به دانش آموز کمک شود تا اختلاف عمق و وسعت تجارب شخصی خود را بفهمد. فرصت‌های موجود را بسنجد و از امکانات موجود انتخاب مناسبی به عمل آورد.

وظیفه مشاور پرداختن به دنیای شخصی هر دانش آموز است. در واقع مشاوران کاتالیزورهای تعلیم و تربیت هستند و نمی‌توان جریان آموزش را از پرورش و یا راهنمایی راز مشاوره جدا نمود. یکی از رموز موفقیت مشاوران، نشان دادن جایگاه و اهمیت «واحد مشاوره»، برقراری ارتباط صحیح با دانش آموزان، اولیای آنان و دبیران می‌باشد. یاری کردن به دانش آموزان برای کسب درجه عالی لیاقت و رضایت از فعالیت‌هایی که با آنها درگیر می‌شوند. یاری کردن به دانش آموزان برای درگیر شدن با فعالیت‌های متناسب خارج از مدرسه به طریقی که این درگیری در پیشرفت امور اجتماعی مربوط به آنها مؤثر واقع شود و باعث خوشحالی فردی آنان گردد. یاری کردن به دانش آموز تا برای شرکت جستن در فعالیت‌های زندگی به تعیین هدف‌ها و برنامه‌های مناسب مبادرت ورزد. نقش حرف‌های مشاوران تربیت شده که کارشان کمک به مشکلات سازگاری دانش آموزان می‌باشد، بسیار حائز اهمیت است. مشاور علاقه‌ای به اینکه برای دانش آموز تصمیم بگیرد، ندارد. بلکه در صدد فراهم آوردن اوضاع و احوال مناسب است که در آن دانش آموز بهتر بتواند به یادگیری ادامه دهد. مشاور موانع و مشکلاتی را که برای مراجع ایجاد زحمت می‌کند را از میان بر می‌دارد و وضعی پیش می‌آورد که در آن بینش دانش آموز افزایش می‌یابد تا خود به انتخاب مناسب‌ترین راه حل مربوط به علائق و آرزوهای کوتاه و بلند دست بزند. مشاور به دفاع از یک سری ارزش‌ها در مقابل سری دیگر نمی‌پردازد، بلکه دانش آموز را به شناخت ارزش‌های اجتماعی به گونه‌ای که هستند، موظف می‌کند. کار عمده مشاور این است که دانش آموز را تشویق کند تا به وسعت ارزش‌های تحصیلی و اجتماعی آگاهی یابد. در لحظه تصمیم‌گیری و انتخاب مشاور باید از «ارزش‌ها» شناخت کامل داشته باشد. ارتباط دانش آموز با مشاور می‌تواند به رشد مثبت و مؤثر او کمک کند. مشاور فرصت‌هایی فراهم می‌آورد تا فرد بتواند مستمرا ارتباط‌های محیطی ویژه‌ای را در شرایط مساعد و مطلوب بررسی نماید. کمک مشاوره حضوری، هنگامی با موفقیت‌ترین خواهد بود که هدف‌های آن با بافت مقاصد تربیتی که مدرسه در نظر گرفته است، در ارتباط کامل قرار گیرد. مشاور به خانواده دانش آموز کمک می‌کند

در جمع بندی مسایل مطرح شده از سوی نوجوانان و والدین و ارتباط این دو با هم به بررسی نقش مشاور در راستای این ارتباطات می‌پردازیم.

اهمیت موضوع:

اختلالات در زمینه مراعات ارزش‌های معنوی و اخلاقی همچنین ناهنجاری‌های فکری و برخورداری نبودن از رشد عقلانی و مشکلات افراد و سازگاری با افراد دیگر و توجه به مناسبات انسانی در حیات جمعی و اختلالات عاطفی در زمینه ابراز و کنترل عواطف و همچنین در جهت حفظ سلامت بدن و کسب عادات و مهارت‌های اساسی بدنی نه تنها پیچیدگی رسالت مشاوران می‌سازد، بلکه نقش تربیتی مشاوران در برخورد با دانش‌آموزان را نشان می‌دهد.

وظایف مشاور:

وظیفه مشاور، هدایت فرد در رشد و پرورش ابعاد اساسی شخصیت اوست. مهمترین نقش مشاور، «مشاور به عنوان راهنما است». در این نقش هدف از مشاوره، تبادل نظر میان مشاور و مراجعه کنندگان است. برخی از مشکلات مراجعان با دانش‌آموزان جنبه عاطفی دارند. بعد عاطفی نیز از جهاتی حساس‌ترین بعد در شخصیت افراد است. هدایت فرد در بعد عاطفی یعنی کمک به فرد در فراگیری نحوه ابراز عواطف و طرز کنترل عواطف است. برخی از دانش‌آموزان به علل مختلف در ابراز عواطف خود دچار مشکل هستند اغلب آنها، نحوه ابراز عواطف خود را فرا نگرفته اند و در برخورد با دیگران دچار اشکال می‌شوند. ابراز محبت، ترس، خشم و مانند اینها اموری آموختنی هستند. فرد عواطف خود را در زندگی خصوصی و در برخورد به اعضای خانواده یا در برخورد به همسالان و هم کلاسی‌های خود ظاهر می‌سازند. بروز عواطف، به دانش آموز کمک می‌کند که در تشخیص موقعیت، هماهنگ ساختن عواطف خود با هنجارهای اجتماعی - اخلاقی و برای کنترل عواطف خود تلاش کند. در مدرسه باید به دانش‌آموزان کمک کرد تا آرزوهای خود را بشناسند. والدین در گذشته انتظارات متفاوتی از مدرسه داشتند ولی در زمان ما اکثر آنها خواهان پیشرفت تحصیلی فرزندان خود هستند. مشاور باید بداند که اختلافات بارزی در توانایی‌ها، علاقه‌ها و هدف‌های دانش‌آموزان وجود دارد.

مهمترین عواملی که می‌توانند ارتباط دانش آموز با خانواده را تضعیف نمایند عبارتند از: هیجانی بودن خانواده، طرد نوجوان از طریق تنبیه مکرر و یا نصیحت‌های افراطی، نشان دادن ضعف در اداره کردن نوجوان می‌باشد

وظیفه تشخیص تفاوت‌های فردی مهمترین مسئله است. وجود هر برنامه مشاوره دلیل موجهی است بر توجه به پرورش توانایی‌های گوناگون افراد متفاوت است. مشاور باید به فردیت



رفتار کودک تغییراتی را به وجود آورد. کودکی که با روش گوردن تربیت می‌شوند، افرادی آزادمنش و علاقمند به بحث‌های گروهی و مسایل اجتماعی خواهند بود. متکی به خود هستند و سعی دارند به وسیله عوامل درونی خود را کنترل کنند.

مقایسه انواع برخورد والدین با «هویت» نوجوانان:

آدامز و هونز (۱۹۸۳)، چهار نوع هویت را در نمونه‌های خود یافتند: ۱- برای جوانان با «هویت پخته و موفق» گزارش کردند که والدین آنها استقلال را تشویق و کنترل کمی را اعمال می‌کرده اند. ۲- برای جوانان «سر در گم» گزارش کردند که والدین آنها شیوه‌های فرزند پروری غیرثابتی را اعمال می‌کرده اند. آنها کنترل را به کار برده، اما استقلال را نیز تشویق می‌کردند. این والدین آنها را تحسین و تمجید کرده، اما ناعادلانه یا نابجا اعمال می‌کردند. ۳- برای جوانان با «هویت زودرس»، نشان دادند که والدینشان کنترل زیادی بر آنها اعمال کرده و استقلال آن‌ها را کمتر از والدینی که هویت نوجوانان خود را از بحران‌ها و تعهدات محافظت می‌کنند، تحت تأثیر قرار می‌دهند. ۴- چهارمین تجربه، از والدینی تغذیه می‌کند که استقلال را تشویق می‌کنند، در حالی که شکست در سرمایه گذاری «خودهای جایگزین» از والدینی سرچشمه می‌گیرد که پیام‌های متناقضی را درباره استقلال و کنترل می‌دهند یا کسانی که تصویری از استقلال را به همراه اعمال کنترل نشان می‌دهند.

والدین می‌توانند برای بچه‌هایشان مشاوران مفیدی باشند به شرط اینکه یادشان باشد که مانند یک مشاور مؤثر عمل کنند. نه والدینی که می‌خواهند باورها و ارزش‌های پذیرفته شده خودشان را به بچه‌ها بیاموزند.

والدین باید نسبت به مقاومت در مقابل آموزش‌هایشان آگاه و نسبت به مخالفت‌هایی که به عقایدشان می‌شود حساس باشند.



تا کار و تحصیل آینده‌فرزندان را با ضابطه و معیارهای علمی تعیین کنند. مشاور به دانش آموز کمک می‌کند تا براساس قضاوت‌های شخصی و بر مبنای تضاد، رشته‌ای را انتخاب نکند. فعالیت‌های تفریحی و هنری رضایت خاطر دانش‌آموزان را جلب و به شادی آنها کمک کند. از جهاتی نیز به او کمک می‌کند تا خود و جهانی را که در آن زندگی می‌کند، بهتر بشناسد.

یکی از وظایف مهم مشاور این است که باید بداند که نقایص عضوی، اختلالات عصبی و ضعف حواس تأثیرات مهمی در یادگیری دانش‌آموزان خواهد داشت. این تغییرات جسمی و حالات روانی بر روی هم تأثیرات متقابل دارند و این دو دسته خصوصیات در وضع عاطفی و جریان یادگیری دانش‌آموزان بسیار مؤثرند. برای ارتباط بهتر دانش‌آموز باید راه‌های سازگاری با گروه را بیاموزد. مشاور باید سعی کند تا دانش‌آموزانی که از گروه گریزانند را بشناسد و علت انزوای آنها را در یاد و نسبت به سازگار ساختن آنان با گروه اقدام لازم را به عمل آورد. شناخت مشاور از دانش‌آموز کمک لازم و مهمی به شمار می‌رود. ممکن است دانش‌آموزی «درون‌گرا» و از خود راضی باشد و بر عکس در صفات اجتماعی بودن و اقتدار طلبی ضعیف باشد. یا دانش‌آموز دیگری ممکن است فردی «برون‌گرا»، سلطه‌جو و اجتماعی باشد و در مواجه شدن با وضعی مشابه این دو نظر از لحاظ اختلافات عمیقی که در شخصیت دارند، روش سازگاری متفاوتی ابراز کنند. در اینجا نقش مشاور مهم است که می‌تواند از طریق مصاحبه کاملاً مؤثر واقع شود و باید توجه داشت که بین شخصیت دانش‌آموز و خواسته‌هایش که با آن روبه‌رو می‌شود همبستگی وجود ندارد. هدف مشاور این است که با تشخیص درست رشد جسمی، عاطفی، ذهنی، اجتماعی دانش‌آموز به او کمک می‌کند تا سرنوشت خود را شکل دهد.

مشاور، موانع و مشکلاتی را که برای مراجع ایجاد زحمت می‌کند را از میان برمی‌دارد و وضعی پیش می‌آورد که در آن بینش دانش‌آموز افزایش می‌یابد تا خود به انتخاب مناسب‌ترین راه حل مربوط به علایق و آرزوهای کوتاه و بلند دست بزنند

یک مشاور موفق فقط مطالب را با دانش‌آموز در میان می‌گذارد، نه موعظه می‌کند و نه تحمیل، او فقط پیشنهاد می‌کند نه اینکه توقع اجرا و اطاعت داشته باشد. حتی از همه اینها مهمتر مشاور موفق بیش از یک بار مطلبی را نه در میان می‌گذارد و نه آن را پیشنهاد می‌کند. مشاور تأثیرگذار دانش و تجربه خود را به دانش‌آموز عرضه می‌کند، اما هر هفته آنها را تکرار نمی‌کند. اگر مراجعه‌کننده خریدار عقایدش نباشد، او را خجالت نمی‌دهد. وقتی متوجه می‌شود که دانش‌آموز نسبت به عقاید او مقاومت می‌کند، مرتباً با اصرار نقطه نظر

دوستانه بین مشاور، معلم و والدین به وجود می‌آید که باعث اطمینان و تسلی خاطر والدین می‌شود. و آنان را به تماس و همکاری بیشتر تشویق و ترغیب می‌کنند. والدین نیز اطلاعاتی درباره فرزندانشان کسب می‌کنند و با نیازها و مشکلات آنان بیشتر آشنا می‌شوند و نحوه کار کردن صحیح با فرزندشان را می‌آموزند. در سال‌های اولیه آموزش رسمی کودک، نوع مشارکت و انتظارات والدین نسبت به اهداف و روش اداره جلسات ملاقات با مشاور و معلم صورت می‌گیرد.

مشاور باید برای آموزش والدین به صورت فردی - گروهی برنامه‌های دقیق تهیه و تنظیم نماید. با کمک کارکنان مدرسه آنها را به مرحله اجرا در آورد. والدین از طریق آموزش با مسایل فرزندانشان آشنا می‌شوند و روش‌های حل مشکلات را یاد می‌گیرند. آموزش والدین بیشتر جنبه پیشگیری دارد. آموزش والدین اصولی دارد از جمله والدینی که قدرت یادگیری دارند یا به یادگیری علاقمندند یا آنچه دوست دارند، یاد می‌گیرند یا موضوعی که به رابطه آنان با کودکانشان مربوط می‌شود بهتر می‌آموزند. هر کدام از والدین روش یادگیری خاصی دارند و توجه به این مسایل ضروری است. ارتباط خانه و مدرسه زمانی مؤثر و کارآمد خواهد بود که مسئولان این دو نهاد از وضع آموزشی و تربیتی دانش‌آموز اطلاعات کافی و موفق داشته باشند. اگر اطلاعات ناقص یا غلط باشد، ارتباط خانه و مدرسه را مختل می‌کند و تأثیری در اصلاح رفتار دانش‌آموز نخواهد داشت. مشاوران و دیگر مسئولان مدرسه نیز باید در برخورد با اولیا، روابط انسانی را مدنظر داشته باشند و طوری رفتار کنند که والدین انگیزه و رغبت لازم را برای برقراری ارتباط با مدرسه داشته باشند. در برقراری ارتباط با مدرسه از وجود نوجوان و نظریات او می‌توان استفاده لازم را به عمل آورد. دانش‌آموز نوجوان چون از نظر علاقه بیش از دوره ابتدایی توانا است، می‌تواند مسایل خود را تشخیص دهد. والدین در صورت داشتن ارتباط عاطفی درست با نوجوان می‌توانند در مورد مسایل درسی و رفتاری در وضع تدریس معلمان و امور دیگری که مدرسه می‌گذارد، اطلاعات لازم را کسب کنند. مشاوران نیز از طریق دانش‌آموزان

خود را تکرار نمی‌کند. مشاور موفق عقاید خود را از ایه می‌کند، بعد مسئولیت پذیرش یا رد کردن آنها را به عهده اشخاص می‌گذارد. اگر مشاور می‌ماند آنچه بیشتر والدین رفتار می‌کنند عمل کند، مراجعاتش، به او اطلاع می‌دهند که دیگر به خدمات او نیازی ندارند. بیشتر والدین به عنوان مشاور، موفق‌اند که مراجعه‌کنندگان شان خریدار عقاید و پیشنهادها می‌باشند.

با توجه به اینکه دانش‌آموزان نقش مشاور را در ارایه اطلاعات تحصیلی - شغلی به خود مؤثر می‌دانند و با توجه به تناقصی که بین گفته‌های مشاورین و دانش‌آموزان وجود دارد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نقش مشاور در ارایه اطلاعات قابل انکار نیست، ولی نمی‌توان آن را به عنوان تنها عامل مؤثر قلمداد نمود. زیرا دانش‌آموزان در بین مجموعه‌ای از عوامل قرار گرفته‌اند، که از همه آنها به عنوان منابع کمکی در انتخاب رشته و انتخاب شغل استفاده می‌نمایند. مشاور باید برطرف کننده نگرانی‌ها، دلهره‌ها و اضطراب‌ها از دل و ضمیر دانش‌آموزان باشد. به طوری که اعتماد به نفس در آنان تقویت شود. پس می‌تواند که مشاور جهت موفقیت در این امر باید با روحیات شاگردان و اختلاف فردی آنان، خانواده، اجتماع، آداب و رسوم و علایق افراد توجه کافی مبذول دارد. رمز موفقیت مشاور در آن است که بتواند به طریق مختلف با دانش‌آموز ارتباط برقرار کند و از هر فرصت و امکاناتی برای رفع مشکلات دانش‌آموزان استفاده نمایند.

«شُرترز» نقش مشاور را چنین بیان می‌کند که «هدف اصلی مشاور مدرسه کمک به دانش‌آموزان در درک خویشتن، روابط خود با دیگران، در دنیایی است که در آن زندگی می‌کنند».

چگونگی فعالیت مشاور در آماده‌سازی خانواده‌ها:

در راهنمایی و مشاوره، همکاری والدین با مشاور و معلم نقش کلیدی دارد و بدون مشارکت آنان کمک به کودک غیر ممکن است. همکاری والدین باعث می‌شود که مشاور و معلم اطلاعات جامعی درباره کودک کسب کنند و با شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌ها، علل رفتار کودک را تشخیص دهند. از طریق این همکاری روابط

ارایه دهند تا بر قدرت انتخاب، تشخیص و تصمیم‌گیری نوجوان را در امور مختلف تحصیلی و زندگی بیافزاییم.

راهکارهای مفید برای والدین در بهبود ارتباط با فرزندان:

هنگامی که نوجوانان به سمت جاده بزرگسالی در سفر هستند، ممکن است به منظور ابراز وجود و اثبات استقلال، بی‌نیازی و عدم وابستگی شان، آن چنان مصمم و مشتاق عمل کنند که به تمام حرف‌ها و نصایح والدینشان مخالفت نمایند و رودرروی آنها بایستند.

اگر والدین در برقراری رابطه با نوجوانشان مشکل دارند، باید از تجربه سایر والدین و نکات سودمند و مفیدی که در این باره وجود دارد استفاده کنند. تا از یک جو خانوادگی سالم، شفاف، گرم و با محبت برخوردار گردند. و مهمترین نکته با به کار بستن آنها می‌توانند کاری کنند که فرزند نوجوانشان هر چند هم که در حال پشت سر گذاشتن دوره‌های بحرانی، حساس و دشوار باشد اطمینان یابند که از صمیم قلب و همواره دوستانشان دارند. تجربیات شخصی تان را با آنها در میان بگذارید. فرزند نوجوانتان نیاز دارد که زمانی را به آنها اختصاص دهید. کنارشان بنشینید در حالی که به عقاید، نقطه نظرات و ماجراهای زندگیشان گوش می‌دهید، خودتان را آماده همکاری با آنها نشان دهید. این کار را می‌توانند زمانی هم انجام دهید که دوستانشان در خانه شما هستند. به این ترتیب، درهای ارتباطی و تبادل نظر بسیاری به رویشان گشوده می‌شود و به راحتی مآووق زندگیشان را شرح می‌دهند و مهمتر از همه دوستانشان هم کم کم به شما اعتماد پیدا می‌کنند و به اشتباهات خود نیز اعتراف می‌کنند.

«شیرترز» نقش مشاور را چنین بیان می‌کند که: «هدف اصلی مشاور مدرسه کمک به دانش‌آموزان در درک خویشتن، روابط خود با دیگران، در دنیایی است که در آن زندگی می‌کنند»

یکی از بهترین‌ترین الطافی که می‌توانید در حق فرزند نوجوانتان انجام دهید، «لب به اعتراف گشودن» در زمانی است که مرتکب اشتباهی می‌شوید و سپس عذرخواهی کنید. این عمل تان یاد می‌دهد که اشتباه کردن مسئله‌ای نیست و مهمترین که وقتی مرتکب اشتباهی می‌شوید، باید عذرخواهی کنند. به آنها ابراز علاقه کنید با هم به گشت و گذار بروید، برای یکدیگر نوبت قایل شوید. یک سبک ارتباطی متفاوت را امتحان نمایید. اگر شما و فرزندتان میل داشته باشید می‌توانید به شیوه‌ای سالم، سرگرم‌کننده و تقریبی با یکدیگر ارتباط داشته باشید. ممکن است برخی از نوجوانان وقتی رو در رو شما نیستند با احساس راحتی بیشتری ابراز احساسات و افکار



از جمله فعالیت‌هایی که در این زمینه باید انجام گیرد. باید به عنوان مشاور به والدین بگوئیم که البته شما می‌توانید ارزش‌های مورد قبول را به بچه‌های خودتان بیاموزید اما این قدر سخت‌گیرید. آنها را به روشنی بیان کنید. اما از چکش‌کاری پرهیزید، با سخاوت آنها را با بچه‌ها در میان بگذارید، اما از موعظه کردن به پرهیزید. آنها را با اطمینان در میان بگذارید، اما تحمیل نکنید. کاربرد گوش دادن فعال را فراموش نکنید. اگر این کارها را بکنید بچه‌هایتان ممکن است باز هم طالب خدمات شما باشند. بهتر است گاهی مشاور یا دیگر عوامل مدرسه یا والدین به جای آن که نوجوانان را به خاطر رفتار غیر قابل قبولشان سرزنش کنند، از احساسات مهار شده‌اش و صحبت به میان آورند.

پیشنهادهای «نیکسون» و «آیزر» جهت کمک به والدین برای ارتباط بهتر:

دو نویسنده به نام‌های نیکسون و آیزر، در سال (۱۹۹۷) پیشنهادهایی جهت کمک اولیای خانه و مدرسه به نوجوانان ارائه نمودند که عبارتند از: شناخت رابطه‌ای که بیشترین فشار را بر نوجوان وارد می‌آورد، پذیرش تفاوت‌هایی که بین افراد وجود دارد، استفاده از پیمان‌های شفاهی در سازش طرفین درگیر، تذکر دادن به رفتارهای غیر قابل قبول نوجوانان، مشخص نمودن حد و مرزهای بین اولیای خانه و مدرسه و مورد توجه قرار دادن نوجوان. هدایت نوجوانان توسط والدین به سمت خودشناسی و خداشناسی که در این رابطه حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«من عرف نفسه فقد عرف ربه» یعنی: «یعنی هر کس نفس خود را بشناسد به درستی خدا را شناخته است.»

چون احساس تنهایی در نوجوانان و جوانان به علت عدم یادگیری درباره برقراری روابط مطلوب و تماس با دیگران است. لذا در فعالیت‌های مدرسه‌ای، معلمان مختلف به ویژه مربیان تربیتی و مشاوران می‌توانند به تدریج با ایجاد تماس و ادامه آن، نحوه برقراری روابط مطلوب را به آنها بیاموزند. لذا وظیفه مشاوران و مربیان است که ارزش‌های اخلاقی و دینی را با لگو، روش و قالبی زیبا و جذاب همراه با استدلال منطقی به وی

می‌توانند برخی موارد را به خانواده‌ها منتقل کنند و از طریق آنها در مورد نحوه برخورد والدین با نوجوانان اطلاعاتی کسب کنند. باید والدین را نیز از این مسئله آگاه کرد که، مراقب باشند در برقراری ارتباط با مدرسه نوجوان حساسیت پیدا نکنند تا عدم اعتماد در او به وجود نیاید. چون نوجوان نیاز به مسئولیت اجتماعی دارد و مایل نیست به رفتار او با شک و تردید بنگرند. ممکن است گاهی به ارتباط پدر و مادر خود با مدیر یا دبیر یا مشاور مشکوک شود و تصور کند که درباره رفتار او کند و کاو می‌کنند. بهتر است والدین در مواردی که طرح آن با نوجوان مسئله‌ای ایجاد نمی‌کند، موضوع را با خود او در میان بگذارند. با اطلاع نوجوان با مدیر و مسئولان مدرسه گفتگو کنند. این کار ضمن افزون اعتماد او به حل بهتر مسائل نیز کمک می‌کند. باید اذعان داشت که مشاوران به والدین این مسایل را نیز در جلسات آموزشی خانواده تذکر دهند، که والدین سعی کنند شرایط خانواده را برای نوجوان با نشاط، امیدوار کننده و امنیت بخش سازند. هر قدر دانش‌آموز از جهت عاطفی و روانی وضع متعادلی پیدا کند، موانع روانی - عاطفی او برای یادگیری ضعیف می‌شود. والدین و مسئولان مدرسه باید با تشویق انجام کارهای گروهی به کار مشترک و بحث گروهی بپردازند. چون شوق یادگیری دانش‌آموز در گروه افزایش می‌یابد و مباحثه موجب عمیق شدن یادگیری او می‌شود. البته کار گروهی دانش‌آموزان به نظارت مناسب نیاز دارد. پس چنانچه مشاور بتواند در انتخاب ترکیب دوستان هم گروه نوجوان قدم‌های مؤثری بردارد، شاید بزرگترین خدمت را هم به لحاظ رفتاری و هم به لحاظ پیشرفت تحصیلی در حق او انجام داده باشد. مشاوران باید با نظارت بر فعالیت‌های اجتماعی نوجوان مشکلات آنان را در این مسیر شناسایی کنند و از طریق راهنمایی‌های جمعی و انفرادی به برطرف کردن آن مشکلات اهتمام ورزند. انجام چنین کارهایی علاوه بر داشتن دیدگاه تربیتی مناسبی در این زمینه، مستلزم طراحی‌های تربیتی برای فعالیت‌های جمعی سازنده با در نظر گرفتن نقش فعال هر یک از آنان و نیز انجام فعالیت‌های خیرخواهانه و اجتماعی در جهت برطرف کردن کاستی‌های اجتماعی در حد توان نوجوان است.

کنند. تضادها و کشمکش‌ها را خودتان انتخاب نمایید. والدین گرمی باید بدانند که عوامل شروع و تداوم این گونه ارتباطات را شناسایی کنند آنچه دختر یا پسر شما از دوست خودش برای شما بیان می‌کند و آنچه در مکالمه آنها رد و بدل می‌شود. محتوای گفتگوهای بین آنها، منبع بسیار غنی برای شناسایی عوامل شروع و تداوم ارتباط است و شناخت آنها شما را به کاستی‌هایتان در روابطی که با فرزندانان داشته‌اید، هدایت می‌کند. همچنین به ارزشیابی واقع بینانه‌ای از نوجوانان خود خواهید رسید. چگونگی شکل‌گیری ارتباط و شدت صمیمیت را جستجو کنید و به این نکته توجه کنید که تقاضای صمیمیت جزء تفکیک‌ناپذیر ارتباط است. لذا انتظار نداشته باشید که ارتباطی وجود داشته باشد، ولی صمیمی نباشد. این چگونگی و شدت عاطفه موجود، نوع مداخله شما و پیامدهای آن را تعیین می‌کند. زمانی که ارتباط در چرخه جایگزینی (جان‌شینی) باشد هر نوع واکنش طرد کننده و یا تنبیه کننده از جانب شما می‌تواند ارتباط را پیچیده‌تر کند. از هر گونه واکنش عجولانه سریع و بیش از اندازه شدید یا واکنش انفعالی در زمان آگاهی از ارتباطاتی این گونه پرهیز کنید. الگوی ارتباط خود با نوجوان را ترسیم کنید و آن را از نظر عاطفی و نفوذ پذیری بهبود بخشید. هنگام گفتگو پیرامون ارتباط با فرزندان، پاسخ وی می‌تواند مورد زیر باشد. سکوت، امتناع، پاسخ نامربوط، به شوخی گرفتن، دروغ گفتن، معوق گذاردن و... در برابر این پاسخ‌ها به دو احساس «ترس» و «عدم اطمینان» توجه کنید. پیامدهای ارتباط را به بعد از هر گونه سرزنش و تحقیر و بیشتر از زبان فرد سوم مطرح کنید. اعتقادات مذهبی را در فرزندان خود تقویت کنید و به این نکته توجه کنید که نوجوان شما بیشتر استدلال پذیر است. از این رو واکنش مهرآمیز برای بالا بردن قدرت نفوذ شما واکنشی است که نتیجه آن پنهان کاری و توسعه روابط به دلیل خشم از شما خواهد بود. تصورات و انگیزه‌های نوجوان خود را از ارتباطی که آغاز شده است جستجو کنید. تصورات آرمانی که پوششی واقعی یافته است، بیشتر از سایر تصورات در این گونه ارتباطات مشاهده می‌شود. نوجوان خود را به تغییراتش در علائق و انتخاب‌ها در طول دوران رشد آگاه گردانید. از این طریق توجه وی را به فرصت‌های آینده معطوف کنید. علاوه بر آن به وی بگویید همیشه شما حق انتخاب دارید ولی من فکر می‌کنم که هر انتخابی زمان خاص خودش را دارد.

اگر والدین در برقراری رابطه با نوجوانشان مشکل دارند، باید از تجربه سایر والدین و نکات سودمند و مفیدی که در این باره وجود دارد استفاده کنند. تا از یک جوانی که سالم، شفاف، گرم و با محبت برخوردار گردند

کر دار نامه برای ارتباط صحیح خانواده با نوجوان:

«تو و من با هم در ارتباطی هستیم که برای من پر ارزش است و من می‌خواهم آن را نگه دارم. در عین حال هر کدام از ما یک شخص جداگانه‌ایم با نیازهای فردی و حق تلاش برای رسیدن به آن خواسته‌ها. پس سعی خواهیم کرد وقتی تو می‌خواهی به خواسته‌هایت برسی یا وقتی برای رسیدن به آن خواسته‌ها با مشکلی رو به رو می‌شوی، صمیمانه رفتار تو را درک و قبول کنم. وقتی تو مسایل خود را با من در میان می‌گذاری من سعی می‌کنم با قبول و درک آنها طوری به تو گوش بدهم که یافتن راه‌حل مسئله ات را آسان کنم. وقتی تو به دلیل رفتار من برای رسیدن به خواسته‌هایت مشکل داری. تو را تشویق می‌کنم که احساسات خود را صادقانه و بدون رو در بایستی به من بگویی. در چنین موقعی من گوش می‌دهم و اگر بتوانم سعی می‌کنم رفتارم را تغییر دهم. هر گاه یکی از ما نتواند طوری رفتار کند که موجب رضایت دیگری شود، متوجه می‌شویم که در رابطه مان برخوردی پدید آمده. بیا خودمان را متعهد بدانیم که هر کدام از این بر خوردها را طوری حل کنیم که نه من از قدرتم برای برنده شدن به قیمت باخت تو استفاده کنم و نه تو بخواهی به قیمت باخت من برنده شوی. من به خواسته‌های تو احترام می‌گذارم، اما باید به نیازهای خودم هم احترام بگذارم. در نتیجه بیا همیشه در حل اختلافات غیر قابل اجتناب خود به دنبال راه‌حلی بگردیم که برای هر دو ما قابل قبول باشد. به این طریق هم تو به نیازهای خودی رسیدی و هم من و هیچ کدام بازنده نخواهیم شد. در نتیجه تو می‌توانی به رشد شخصیت خود از طریق رضای نیازهایت برسی، من هم همچنین. به این ترتیب رابطه ما همیشه می‌تواند ارتباطی سالم باشد. چون رضایت هر دو طرف در آن است.»

هیچ شکی نیست که اگر این کردار نامه از طرف خانواده به کار گرفته شود به وجود آورنده تغییرات بسیار مهم و ارتباطی صحیح بین نوجوان و والدین خواهند بود. چه بسا پایبند بودن به تمام عقاید و احترام به حد و مرز نوجوان از طرف خانواده و همین طور برعکس از سوی نوجوان، می‌تواند در بهبود ارتباط صمیمانه و منطقی برای او مؤثر باشد. در آخر امید است که توانسته باشم هر چند مجمل، نقش مشاور را در بهبود وضعیت ارتباطی دانش آموزان با خانواده بیان نمایم و راه کارهای مطرح شده بتواند وضعیت ارتباط میان این دو را بهبود بخشد. با تشکر از شما همکاران گرمی که این فرصت را فراهم آوردید تا پیرامون مسئله مهمی چون نقش مشاور در ارتباط با خانواده و دانش آموز بررسی نمایم و به راه‌حلی‌هایی دست پیدا کنم.

منابع فارسی:

- اکبری، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). مشکلات نوجوانی و جوانی، انتشارات ساوالان، تهران.
- اردبیلی، یوسف. (۱۳۷۰). اصول و فنون مشاوره و راهنمایی در آموزش و پرورش، تهران: انتشارات بعث.
- ایلنگوردت، اس. و رونالد (۱۳۸۶). کودک و مدرسه، ترجمه:

شکوه نوایی نژاد، تهران: انتشارات رشد.

- استادان، طرح جامع آموزش خانواده (۱۳۷۷). ویراستار علمی: دکتر شکوه نوایی نژاد (خانواده و فرزندان) انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- توماس گوردن (۱۳۸۰). فرهنگ تفاهم در ارتباط والدین و فرزندان، ترجمه: پری چهره فرجادی، تهران: انتشارات آئین تفاهم.
- پلهاک: موفقیت در تربیت فرزندان (۱۸ تا ۵) (۱۳۷۵). ترجمه: حسین صفیوریان، محمد طاهر ریاضی. یداله جهانگرد، انجمن اولیا و مربیان، تهران.
- حسینی، سید مهدی و پاشا شریفی حسن (۱۳۶۷). اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره، تهران: انتشارات رشد.
- حسینی، سید مهدی (۱۳۷۰). اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- ریاحی، غلامحسین (۱۳۷۱). روان شناسی در خدمت اولیا و مربیان، تهران: نشر اشرافیه.
- شریعتمداری، علی (۱۳۴۹). روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات مشعل.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۷۶). مشکلات تربیتی را چگونه حل کنیم، تهران: انتشارات تزکیه.
- شاملو، سعید (۱۳۷۰). آسیب شناسی روانی، تهران: انتشارات رشد.
- شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۰). فنون تربیت کودک، راهنمایی والدین، معلمان، مشاوران، تهران: انتشارات چهره.
- شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۹). راهنمایی و مشاوره کودک، تهران: انتشارات سمت.
- صافی، احمد (۱۳۷۰). اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش، تهران: انتشارات آموزش و پرورش.
- لورا استافورد، رچری به دیر (۱۳۷۷). تعامل والدین و کودکان، ترجمه: محمد دهگانه‌پور و مهرداد خرازچی، تهران: انتشارات رشد.
- نوایی نژاد، شکوه (۱۳۷۵). راهنمایی و مشاوره، تهران: انتشارات نشر معاصر.
- قاضی، قاسم (۱۳۸۶). زمینه مشاوره و راهنمایی، انتشارات دانشگاه تهران.
- معتمدی، زهر (۱۳۷۲). رفتار با نوجوان، تهران: انتشارات لک لک.
- پیمازه، ژان (۱۳۶۹). تربیت به کجایه سپرد، ترجمه: محمد منصور و دادستان پری رخ- انتشارات دانشگاه تهران.
- سلیمانی نژاد، روح انگیز (۱۳۷۸). بررسی نقش مشاوران و عدم توجه به اولویت‌های پیشنهادی به وسیله دانش آموزان دختر دبیرستانی تهران، (پایان نامه)، دانشگاه الزهراء، شهرپور.
- سید کریمی، منیرالسادات (۱۳۸۰). بررسی کارایی مشاور در تسهیل مشکلات شخصی اجتماعی دانش آموزان دختر دبیرستان (پایان نامه)، دانشگاه الزهراء، شهرپور.
- خلاصه مقالات دومین همایش علمی جایگاه مشاوره در نظام تعلیم و تربیت (۱۳۸۲). تهران: ناشر: نگار نور.
- شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۷). مقاله آرایه شده در سمینار راهنمایی و مشاوره، تهران.
- صافی، احمد (۱۳۷۷). نقش مشاور در شناخت و هدایت دانش آموزان، مقاله آرایه شده در سمینار.
- ارتباط صحیح والدین با نوجوان (۱۳۸۲). مجله راه زندگی شماره ۱۵۵ مهرماه.
- شیوه صحیح برخورد با نوجوان (۱۳۸۲). مجله راه زندگی شماره ۱۶۱ دی ماه.